فصلنامه علمی مرمت و معماری ایران
سال سیزدهم، شماره سی و سوم، بهار ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی
دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۱۲
پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۲۸
صفحات: ۱۱۰-۹۷
10.52547/mmi.2213.14010228

# تدوین الگوی نظری کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری با رویکرد نهادگرایی*

علی هنردان** احمد شاهیوندی*** رضا نصراصفهانی****



## چکیده

امروزه برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری در سراسر جهان و در پاسخ به ناکارآمدی روش‌های برنامه‌ریزی جامع - سنتی به‌عنوان راهی برای شکل‌دهی رشد شهری مورد توجه قرار گرفته است. در کشور ایران نیز با مطرح شدن طرح‌های ساختاری راهبردی در دهه ۷۰ و همین‌طور طرح‌های راهبرد توسعهٔ شهری در دهه ۸۰، تلاش‌هایی برای تغییر نگرش از برنامه‌ریزی جامع به راهبردی صورت گرفت؛ این طرح‌ها هرچند به‌لحاظ مبانی نظری مبتنی‌بر برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری بودند؛ اما به دلایل متعدد ازجمله؛ عدم شناخت درست از محیط نهادی و عوامل مؤثر بر کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری و فقدان یک الگوی نظری مناسب، نتوانستند در نظام برنامه‌ریزی شهری کشور دوام آورده و اثربخش باشند؛ لذا هدف از انجام این پژوهش، شناسایی عوامل مؤثر بر کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری با رویکرد نهادگرایی و تدوین یک الگوی نظری مناسب برای کاربست این نوع از برنامه‌ریزی است. در پژوهش حاضر باتوجه‌به ماهیت سؤال اصلی پژوهش (چگونگی الگوی نظری مناسب برای کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری) و جهت‌گیری فلسفی آن، از روش‌های کیفی تحقیق بهره گرفته و از بین آن‌ها نیز روش نظریه زمینه‌ای باتوجه‌به توانایی تفکر انتزاعی و قابلیت نظریه‌پردازیِ برخاسته از درون داده‌ها انتخاب شده است. داده‌ها ازطریق مرور ادبیات نظری، نتایج پژوهش‌های انجام‌شده درخصوص عدم موفقیت تلاش‌های تجربیِ قبلی در کشور و مصاحبه با خبرگان برنامه‌ریزی شهری جمع‌آوری گردید و برای تحلیل آن‌ها از روش مقایسه مداوم طی سه گام: کدگذاری باز، محوری و انتخابی، استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد الگوی نظری پیشنهادی برای کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری دارای ۲۱ مقوله اصلی در قالب ۵ کلان‌مقوله شامل: ۱. نظم دسترسی باز، ۲. خروجی‌ها، ۳. شیوه‌های برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری، ۴. محتوا و بافتار و ۵. ظرفیت‌سازی نهادی و مشارکت می‌باشد که تحقق آن درگرو ظرفیت‌سازی نهادی به‌منظور ایجاد شرایط نظم با دسترسی باز ازطریق تنظیم راهبردها باتوجه‌به بافتار و زمینه برنامه‌ریزی است؛ که پیامدهای آن در قالب ۵ مقوله اصلی: اثرات اجتماعی، اسناد برنامه، مدیریت شهری، تحقق‌پذیری و کاهش هزینه‌های مبادله بروز می‌نماید.

**کلیدواژگان:** برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری، نهادگرایی، ظرفیت‌سازی نهادی، طرح‌های توسعهٔ شهری.

---

* این مقاله، برگرفته از رساله دکتری "علی هنردان": «تدوین الگوی نظری کاربست برنامه‌ریزی فضایی راهبردی در کلان‌شهر اصفهان با رویکرد نهادگرایی و تأکید بر نقش و جایگاه ذینفعان» به‌راهنمایی دکتر احمد شاهیوندی و دکتر رضا نصر اصفهانی در دانشگاه هنر اصفهان می‌باشد.

** دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده شهرسازی و معماری، دانشگاه هنر اصفهان (نویسنده مسئول). alihonardan@gmail.com
*** استادیار، دانشکده شهرسازی و معماری، دانشگاه هنر اصفهان.
**** استادیار، پژوهش‌های عالی هنر و کارآفرینی، دانشگاه هنر اصفهان.

## مقدمه

روند تحولات توسعهٔ شهری به‌لحاظ نظری، روش‌شناختی و عملی نشان می‌دهد نظریه‌هایی که عموماً در قالب رویکردهای بالابه‌پائین برنامه‌ریزی شکل گرفته بودند، نتوانستند توسعهٔ شهری را آن‌چنان‌که لازم است تبیین کنند. این مسئله باتوجه‌به ماهیت و مقیاس مشکلات و چالش‌هایی که اکنون در همه نقاط جهان با آن روبرو شده‌اند، باعث نگرانی جدی و بروز مشکلاتی همچون فقر، نابرابری ماندگار، مسائل زیست‌محیطی و ... شده است (Gunder et al., 2018: 28). به‌نظر می‌رسد ابزارهای برنامه‌ریزی قانونی، مانند طرح‌های جامع و نقشه‌های کاربری اراضی بی‌تأثیر هستند زیرا تمرکز آن‌ها اغلب بر حفظ نظم اجتماعی موجود بوده تا به چالش کشیدن و تغییر دادن آن (Albrechts et al., 2017). این طرح‌ها برای شرایطِ ثابت، قطعی و برخورد با مسائل واضح و قابلِ‌حل طراحی شده‌اند، شرایطی که شهرهای معاصر فاقد آن هستند. به این ترتیب، آن‌ها برای کنترل پویایی‌ها و تنش‌های روابط هم‌زمان در مکان‌های خاص ناتوان‌اند (Albrechts & Balducci, 2013). در کشور ایران نیز بیش از پنج دهه است که این طرح‌ها (طرح‌های جامع - سنتی) با صرف هزینه و انرژی زیادی تهیه می‌گردند و بعضاً تأثیرات مثبتی هم داشته‌اند؛ اما به دلایل متعدد نتوانسته‌اند به تمامی اهداف خود دست یابند؛ ازاین‌روی بسیاری از فرایندهای برنامه‌ریزی راهبردی دربرابر کاستی‌های مشخص برنامه‌ریزی قانونی واکنش نشان داده و برنامه‌ریزی قانونی را به‌دلیل درنظر نگرفتن ملاحظات سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی، عدم توجه به تنوع اجتماعی و مشارکت عمومی، صلب بودن روش‌های برنامه‌ریزی، عدم توجه به موضوع تحقق‌پذیری و ارتباط برنامه با بودجه، ناتوانی در مقابله با شرایط عدم اطمینان و مقاومت دربرابر انعطاف‌پذیری مورد نقد قرار می‌دهند (Njoh, 2009; Clarke, 1992; Todes et al., 2010 & Albrechts et al., 2017). در پاسخ به این انتقادها، رویکردهای جدیدی برای برنامه‌ریزی پدید آمده است و اشکال جدیدی از برنامه‌ریزی سعی در تعریف مبانی برنامه‌ریزی کردند (Farmer et al., 2006) ؛ ازاین‌روی، برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری از دهه ۸۰ میلادی به‌عنوان راهی برای شکل‌دهی رشد شهری مورد توجه قرارگرفته است. در این برنامه‌ریزی برخلاف برنامه‌ریزی جامع، تأکید زیادی بر فرایندهای مشارکت ذی‌نفعان وجود داشته و برنامه‌ریزی فقط بر عناصر راهبردی تمرکز دارد (Healey, 2017; Watson, 2009). کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری به‌میزان زیادی تحت تأثیر عوامل قانونی و نهادی است که نقش و قدرت اجتماعی آن را تعیین می‌کند. برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری نیاز به درک زمینه‌ای از قدرت و منافع مادی، درک از گفتمان‌ها و محدودیت‌ها دارد. زمینه، نظم فرایند برنامه‌ریزی استراتژیک را شکل می‌دهد و همچنین از آن تأثیر پذیرفته و دستخوش تغییرات فرایند قرار می‌گیرد. در کشور ایران نیز با مطرح شدن طرح‌های ساختاری - راهبردی در اوایل دهه ۷۰ و طرح‌های راهبرد توسعهٔ شهر[1] در اوایل دهه ۸۰، تلاش‌هایی برای تغییر نگرش از برنامه‌ریزی جامع به راهبردی صورت گرفت؛ این طرح‌ها هرچند به‌لحاظِ مبانی نظری مبتنی‌بر برنامه‌ریزی فضایی راهبردی بودند؛ اما به دلایل متعدد ازجمله عدم شناخت عوامل مؤثر بر کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری و نبود یک الگوی نظری مناسب، نتوانستند در نظام برنامه‌ریزی شهری کشور دوام آورده و اثربخش باشند (ماجدی، ۱۳۹۱)؛ ازاین‌روی، در پژوهش حاضر باتوجه‌به دلایل ناکارآمدی طرح‌های قانونی و تجارب ناموفق قبلی در جایگزینی این طرح‌ها ناشی از عدم شناخت عوامل مؤثر بر کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری و فقدان یک الگوی نظری مناسب، سعی می‌گردد عوامل مؤثر بر کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری از دیدگاه نظری شناسایی و با رویکردی کیفی و استفاده از روش نظریه زمینه‌ای،[2] کدگذاریِ مفهومی گردیده و ضمن شناسایی مقولات اصلی و محوری، با پاسخ به سؤال تحقیق: "الگوی نظری مناسب برای کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری چگونه است؟"، الگوی نظری مناسب کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری تبیین و پیشنهاد گردد.

## پیشینه پژوهش

برای تدوین پیشینه پژوهش، ابتدا متون علمی مرتبط (اعم از مقاله‌ها، کتب و پایان‌نامه‌ها) با موضوع نهادگرایی در برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری مورد واکاوی قرار گرفت. سپس با استفاده از روش گلوله‌برفی و مراجعه به منابع و مآخذ مورد استنادِ هریک از آن‌ها، فرایند جست‌وجو و کاوش ادامه یافت؛ درآخر، با استفاده از روش توصیفی – تحلیلی و مداقه در نظرات اندیشمندان خارجی و داخلی، خلاصه و یافته‌های پژوهش آنان در چهار زمینه: ۱. ماهیت برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری، ۲. هزینهٔ مبادله و برنامه‌ریزی، ۳. رابطه برنامه‌ریزی با نهادگرایی و ۴. رابطه برنامه‌ریزی شهری و نهادگرایی، بیان گردیده است. در ارتباط با ماهیت برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری، "آلبرشت و بلوچی[3]" (۲۰۱۳) در مقالهٔ "تمرین برنامه‌ریزی راهبردی: در جست‌وجوی ویژگی‌های حیاتی برای تبیین ویژگی راهبردی برنامه‌ها"، ضمن بیان سنت‌های مختلفِ برنامه‌ریزی راهبردی

به تشریح برخی از ویژگی‌های حیاتی این نوع از برنامه‌ریزی می‌پردازند. "هرسبرگر[۴] و دیگران" (۲۰۱۹) نیز در مقالهٔ "درک برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری برای هدایت مؤثر توسعه مناطق شهری"، به معرفی برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری پرداخته و ضمن اشاره به پیچیدگی‌های سیاسی و نهادی، چارچوبی تحلیلی را پیشنهاد می‌کنند. "تودِس[۵] و دیگران" (۲۰۱۰) در مقالهٔ "فراتر از برنامه‌ریزی جامع؟ رویکرد جدیدی به برنامه‌ریزی فضایی در اکورهولنی آفریقای جنوبی"، ضمن انتقاد از برنامه‌ریزی جامع – سنتی، چارچوب‌های توسعهٔ محلی کلان‌شهر اکورهولنی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. از پژوهش‌های داخل که به ماهیت برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری می‌پردازد می‌توان به مقاله: "شیعه و شکیبامنش" (۱۳۹۰) با عنوان "برنامه‌ریزی فضایی راهبردی؛ رویکردی کارا در نظام برنامه‌ریزی شهری"، اشاره نمود. این مقاله باتوجه‌به تاریخ انتشار آن، نقطه عطفی در معرفی برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری به جامعه علمی کشور محسوب می‌گردد. در ارتباط با هزینه مبادله و برنامه‌ریزی، "الکساندر"[۶] (۱۹۹۲)، در مقالهٔ "نظریه هزینه مبادله در برنامه‌ریزی"، نظریه هزینه مبادلهٔ برنامه‌ریزی را درمقابل تجارب سنتی برنامه‌ریزی و دوگانگی بین بخش دولتی و خصوصی معرفی می‌کند. "ساگر"[۷] (۲۰۰۶) نیز در مقالهٔ "منطق برنامه‌ریزی انتقادی»، بیان می‌دارد؛ برنامه‌ریزی انتقادی با افزایش هزینه‌های مبادله، سعی دارد که توازن قدرت را میان افراد پرنفوذ، مردم عادی و اقشار آسیب‌پذیر برقرار نماید. یکی از موضوع‌های مهم کتاب "نهادها و برنامه‌ریزی؛ یک جستار قیاسی" اثر "ورما"[۸] (۲۰۰۷) هزینهٔ مبادله به‌عنوان عامل ارتباط‌دهنده نهادها و برنامه‌ریزی است؛ به‌طوری‌که در این کتاب نهادها عامل کاهندهٔ هزینه مبادله در برنامه‌ریزی معرفی شده‌اند. درخصوص رابطه برنامه‌ریزی با نهادگرایی به‌دلیل درهم تنیدگی این دو مفهوم در سطح جهانی، ادبیات وسیعی وجود دارد ازجمله: "سِلَت"[۹] (۲۰۰۲)، در مقالهٔ "نهادهای درحال تحول: کاوشی بین‌المللی در برنامه‌ریزی و قانون"، به بررسی رابطه متقابل برنامه‌ریزی و قانون از دیدگاه نهادی می‌پردازد. "اینس"[۱۰] (۱۹۹۵) نیز، در مقالهٔ «برنامه‌ریزی، طراحی نهادی است»، با نقد و بررسی سه کتاب: "درایزک" (۱۹۹۰)، "استروم" (۱۹۹۰) و «برایسون و کراسبی» (۱۹۹۲)، نتیجه‌گیری می‌کند که روش‌های مرسوم برنامه‌ریزی موفقیتی در بهبود شرایط اجتماعی نداشته‌اند و برای ایجاد تغییر، طراحی نهادی لازم است. "هیلی"[۱۱] (۲۰۰۵) نیز در مقالهٔ "تحول نهادی در زمینه برنامه‌ریزی: تفسیری بر مشارکت‌ها"، بر توجه به نهادهای رسمی و غیررسمی و بافتارهای محلی در ایجاد تغییر اجتماعی تأکید می‌کند، در همین ارتباط "سانیل"[۱۲] (۲۰۰۷)، در مقالهٔ "نظریه برنامه‌ریزی"، به اهمیت نقش تجارب عملی و شناخت بافتارها در بهبود کیفیت حکمروایی می‌پردازد. علی‌رغم تأکید پژوهشگران خارجی بر رابطه برنامه‌ریزی با نهادگرایی به‌طور کلی و عام، این رابطه به‌طور خاص بین برنامه‌ریزی شهری و نهادگرایی مورد توجه پژوهشگران داخلی بوده و از مهم‌ترین این پژوهش‌ها می‌توان به کتاب "برنامه‌ریزی شهری و نهادها در ایران" تألیف "مریم دانشور" (۱۳۹۷) اشاره کرد. این کتاب تلاشی است برای معرفی توان تبیینی تجویزی برنامه‌ریزیِ راهبردی در بستر نهادگرایی و به‌دنبال ارائه چارچوب عملی به‌منظور ارتقای ظرفیت کاربست آن در نظام شهرسازی ایران است. "تقدسی و شریف‌زادگان" (۱۳۹۹) نیز در مقالهٔ "واکاوی جایگاه برنامه‌ریزی توسعه شهری مشارکتی و چالش‌های فراروی آن در اندیشه نهادگرا"، ضمن بیان اهمیت رویکردهای مشارکتی و تشکیک‌های ایجاد شده درخصوص کارایی بلندمدت آن، مدلی مفهومی تحت‌عنوان "چارچوب تحلیل نهادی برنامه‌ریزی توسعه شهری مشارکتی" را پیشنهاد می‌نمایند.

## روش پژوهش

در تحقیق حاضر، ضرورت کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری در نظام برنامه‌ریزی شهری کشور به‌عنوان پیش‌فرض پژوهش در نظر گرفته شده است و برای پاسخ به سؤال تحقیق: «الگوی نظری مناسب برای کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری چگونه است؟» ابتدا با مرور ادبیات نظری برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری و کارهای پژوهشی و عملی صورت‌گرفته در کشور همچنین مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۷ نفر از خبرگان،[۱۳] عوامل مؤثر بر کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری شناسایی و کشف گردیده و بر اساس آن، الگوی نظری کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری پیشنهاد شد؛ ازاین‌روی استراتژی کلی پژوهش، استقرایی و از نظر هدفِ بیرونی، کاربردی و از نظر هدفِ درونی، توصیفی – اکتشافی و در جهت تغییر است. در پژوهش حاضر با توجه به ماهیت سؤال پژوهش (چگونگی الگوی نظری مناسب برای کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری) و جهت‌گیری فلسفی آن از روش‌های کیفی تحقیق بهره گرفته شده و از بین روش‌های کیفی نیز روش نظریه زمینه‌ای با توجه به توانایی تفکر انتزاعی و قابلیت نظریه‌پردازی برخاسته از درون داده‌ها انتخاب شده است؛ ازآنجاکه نوع نگاه به برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری، گفتمانی و برساختی بوده و ریشه در بافتار دارد چنین روشی مورد انتخاب بود. برای تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزار Atllas.ti به دلیل سادگی کاربرد و بهره‌گیری از ابزار تصویری برای تجسم نتایج تحلیل استفاده شده است. انجام

تحقیق از سه گام تشکیل گردیده؛ به گونه‌ای که در گام اول مفاهیم و مقولات براساس کدگذاریِ باز شناسایی و در گام دوم، مقوله محوری براساس کدگذاری محوری استخراج و در گام سوم با استفاده از کدگذاری انتخابی براساس نتایج دو مرحله قبلی، به تولید تئوری پرداخته و به این ترتیب مقوله محوری را به شکلی نظام‌مند به دیگر مقوله‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت روشن می‌کند.

## مبانی نظری

**برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری:**[۱۴] برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری یک فرایند اجتماعی است که طی آن تنوعی از ذی‌نفعان دولتی و خصوصی در منطقه مانند برنامه‌ریزان بخش دولتی، سیاست‌مداران، مالکان خصوصی اراضی و سازمان‌های مردم‌نهاد و انجمن‌های زیست‌محیطی در یک محیط نهادی گرد هم آمده تا با مشارکت یکدیگر برنامه‌های راهبردی را از طریق توسعهٔ استراتژی‌های مرتبط به هم برای مدیریت مکان (فضا) تهیه کنند (Hersperger et al., 2019; Albrechts et al., 2017; Haughton et al., 2010; Newman, 2008).

**منطق، اهداف و نقدها:** این سه مورد در مقابل بسیاری از فرایندهای برنامه‌ریزی راهبردی در برابر کاستی‌های مشخص برنامه‌ریزی قانونی واکنش نشان می‌دهد و برنامه‌ریزی قانونی را به‌دلیل در نظر نگرفتن ملاحظات سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی، صلب بودن روش‌های برنامه‌ریزی، ناتوانی آن در مقابله با شرایط عدم اطمینان و مقاومت در برابر انعطاف‌پذیری مورد نقد قرار می‌دهند (Albrechts et al., 2017). تغییر از کنترل به قاعده‌گذاری،[۱۵] از تعمیم حال به تحول، از جامع به گزینشی، از نقشه‌های جامع و کاربری اراضی به آینده‌پژوهی، استراتژی‌ها، پروژه‌ها و عدالت توزیعی، از مکان‌هایی فیزیکی به سمت فضاها، همه نه‌تنها چالش‌های معرفتی بلکه مسائل بنیادی هستی‌شناختی را در این نوع از برنامه‌ریزی تشکیل می‌دهند (Gunder et al., 2018: 31). انگیزه‌های استفاده از برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری در عمل متفاوت است. با این حال چنین انگیزه‌هایی به‌طور معمول عبارتند از: ایجاد یک چشم‌انداز چالش‌برانگیز، منسجم و هماهنگ و بیان یک منطق فضایی یکپارچه و بلندمدت (Ibid). علی‌رغم محبوبیت خاص برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری، نمی‌توان نسبت به نقدی که در مورد برنامه‌ریزی راهبردی بیان شده چشم پوشید (Metzger, 2012). برخی از انتقادها مربوط به هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی برنامه‌ریزی راهبردی است. برخی از منتقدان ادعا می‌کنند که نتایج برنامه‌ریزی راهبردی، از نظر بهبود کیفیت مکان‌ها، معمولی بوده است. سؤال آن‌ها این است که آیا واقعاً اقدامات موجود برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری واقعاً از مبانی هنجاری آن‌ها پیروی می‌کند و آن‌ها به ضعف خود در بن‌یان‌های نظری اشاره می‌کنند (Newman, 2008).

**جنبه‌های چالش‌انگیز بالقوه در توضیح ماهیت راهبردی برنامه‌ها؛** نظریه و شیوه‌های برنامه‌ریزی راهبردی نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی راهبردی دربرگیرنده محتوا و فرایند، ایستایی و پویایی، محدودیت‌ها و آرزوها و موضوعاتِ شناختی و جمعی است. همچنین با موضوعات برنامه‌ریزی‌شده و آموخته‌شده، اقتصادی اجتماعی و سیاسی، دولتی و خصوصی سروکار دارد. این عناصر به چهار بعد مرتبط تعلق دارند: ۱. مربوط به محتوا و بافتار، ۲. چشم‌انداز درحال شدن، ۳. ماهیت رابطه‌ای و ۴. مشروعیت.[۱۶] **۱. مرتبط به محتوا و بافتار:** برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری نیاز به درک زمینه‌ای از قدرت و منافع مادیِ درک از گفتمان‌ها و محدودیت‌ها دارد. زمینه، نظم فرایند برنامه‌ریزی راهبردی را شکل می‌دهد و همچنین از آن تأثیر پذیرفته و دستخوش تغییرات فرایند قرار می‌گیرد (Dyrberg, 1997; cited in et al., 2018). برنامه‌ریزی فضایی راهبردی می‌بایست فقط بر تعداد محدودی از موضوعات کلیدی راهبردی تمرکز نماید، مربوط به عمل و اجراست و به‌عنوان الگوی اهداف، بیانیه‌های سیاست، برنامه‌ها، پروژه‌ها، اقدامات (کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت)، تصمیمات و تخصیص منابع در نظر گرفته می‌شود (Hillier, 2002). **۲. چشم‌اندازسازی مستتر در شدن:**[۱۷] برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری ازطریق چشم‌اندازسازی، آینده‌های خواستنی را ترسیم کرده و سپس بررسی می‌کند؛ مفاهیم و ایده‌های مطرح‌شده از استحکام، قابلیت اجرا و آزمون‌پذیری برخوردار باشند. در شرایط عدم اطمینان به‌خوبی کار کرده و کنشگران را قادر می‌سازد تا طیف وسیعی از احتمالات را در نظر بگیرند (Gunder et al., 2018: 34). اصطلاح "شدن" بر رفتار، حرکات، روابط، تعارضات، فرایند، تکامل و ظهور تأکید دارد و به‌خوبی، ماهیت پویای فرایند برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری را بیان می‌کند. "شدن" به روشی غیرخطی، چشم‌اندازها و بیانیه‌های مرجع را تولید می‌کند. بیانیه، روشی است که مردم از طریق آن، یک نتیجه، مسئله، موقعیت، چالش، فرصت یا یک عمل را می‌بینند (Ibid: 33). **۳. ماهیت روابط:** درک مکان‌های مادی و گروه‌های اجتماعی همچون شهر، شهر- منطقه و منطقه در مقیاس‌های سلسله‌مراتبیِ تک‌بعدی‌غیرممکن است (Healey, 2007b: 267)؛ ازاین‌رو استراتژی‌های پیشنهادی، قلمرو شهر را نه‌فقط به‌عنوان بستر فیزیکی اتفاقات؛ بلکه به‌عنوان ترکیبی پیچیده از گره‌ها و شبکه‌ها، مکان‌ها و جریان‌ها، که

چرا از جدول ۲ شروع شده؟؟ جدول ۱ نداره

در آن روابط، فعالیت‌ها و ارزش‌های متعدد، تعامل، ترکیب، تعارض، چیرگی و هم‌افزایی خلاقه را به وجود می‌آورند، در نظر می‌گیرند (Ibid: 1). ۴. **مشروعیت:** مشروعیت نه‌تنها یک مشکل رویه‌ای (چه کسی تصمیم می‌گیرد) بلکه یک مسئله اساسی (پیوند بین برنامه‌ریزی راهبردی و برنامه ریزی قانونی) است. از نظر "مازا"[۱۸] (اختلاف اسم فارسی و لاتین) (۲۰۱۱& ۲۰۱۳) و "مونتیسالو"[۱۹] (۲۰۱۳)، گسست احتمالیِ برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری از سیستم برنامه‌ریزیِ قانونی و تبدیل آن به یک سیستم غیررسمی موازی موجب بروز جدی مسئله مشروعیت می‌گردد؛ بنابراین، به‌جای جدا کردن برنامه‌ریزی راهبردی از برنامه‌ریزی قانونی، "مونتیسالو" برنامه‌ریزی راهبردی را نه‌تنها به‌عنوان برنامه‌ریزی متمایز از برنامه‌ریزی قانونی بلکه همانند "فریدمن" آن را یک برنامه‌ریزی که خود رابطه برنامه‌ریزی قانونی و راهبردی را تعیین می‌کند، معرفی می‌نماید (Friedmann, 2004: 56).

**وجوه تمایز برنامه‌ریزی جامع سنتی با برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری:** با مرور مبانی نظری می‌توان ویژگی‌های رهیافت برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری را در مقایسه با رهیافت برنامه‌ریزی جامع سنتی (از منظر وجوه تمایز) ذکر نمود (جدول ۲). در این جدول، تمایز یک ویژگی الزاماً به معنی تضاد کامل با همه مبانی دیگر نیست؛ بلکه به‌نوعی نشان‌دهنده وجه شاخص پارادایم جدید برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری است.

**چالش‌های پیش‌رو در کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری:** چالش‌های کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری، وضعیت‌ها از مسائل و مشکلاتی هستند که کاربست برنامه‌ریزی فضایی راهبردی را در نظام شهرسازی کشور با مشکل مواجه نموده و مواجهه با آن‌ها تلاشی سخت را ایجاب می‌کند. برای تکمیل این بخش از ادبیات نظری از منابع معتبر داخلی استفاده شده و مهم‌ترین چالش‌ها و مشکلات مربوط به کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری در شرایط بافتاری کشور ایران در سه حوزه: قانون و مقررات، کنشگران، شیوه‌های برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، به شرح جدول ۳ شناسایی و استخراج گردیده است.

**رابطه نهادگرایی و برنامه‌ریزی:** کاربست برنامه‌ریزی به‌میزان زیادی تحت‌تأثیر ساختار قانون و نهادی است که نقش و قدرت اجتماعی آن را تعیین می‌کند (قانونی، ۱۳۹۸). توانایی برنامه‌ریزی در ایجاد تغییر از طریق نقش‌آفرینی‌های فکری و عملی، در این مهارت حیاتی نهفته است که برنامه‌ریزی می‌تواند واقعیت‌های مادی و ذهنی را شناسایی نموده، چگونگی

جدول ۲. مقایسه تطبیقی میان نگرش برنامه‌ریزی جامع سنتی با برنامه‌ریزی فضایی راهبردی

| وجه تمایز | برنامه‌ریزی جامع - سنتی | برنامه‌ریزی فضایی - راهبردی |
|---|---|---|
| ماهیت برنامه | ایستا، صلب، غیرفعال، عمل‌گرا، موضع‌نگر و بدون تغییر، انعطاف‌ناپذیر، ناتوان در مقابله با شرایط عدم قطعیت، وجود بهترین راه، تأکید بر نقشه کاربری اراضی و ضوابط و مقررات کنترل، پوشش همه جنبه‌های ممکن، توجه به انبوه جزئیات، شیوه بررسی گسترده، تمرکز اصلی روی جنبه‌های کالبدی و فیزیکی و کاربری اراضی، مجزا بودن راهبردها و سیاست‌ها برای هر بخش و نهاد، بی‌توجهی به اثرات جانبی برنامه‌ها در بخش‌های مختلف | پویا، گزینشی، فعال، فرایندمدار، جامعه‌نگر، اصلاح‌پذیر، انعطاف‌پذیر، توجه به عدم قطعیت‌ها، وجود گزینه‌های مختلف، تأکید بر چشم‌اندازها، راهبردها و راهکارهای اجرایی، تمرکز بر موضوعات اصلی، توجه به مسائل راهبردی کلیدی و منافع اصلی، تأکید بر یکپارچگی فضایی بخش‌ها و سیاست‌ها، ادغام، یکپارچگی و هماهنگی راهبردها و سیاست‌ها، تأکید بر رویکرد سیستمی و یکپارچگی اثرات جانبی برنامه‌ها و بخش‌های مختلف |
| ماهیت برنامه‌ریزی | برنامه‌ریزی به‌عنوان یک فعالیت فنی، برنامه‌ریزی دستوری، متمرکز و از بالا به پایین، در اختیار قدرت و تا حد زیادی مستقل از زمینه و بافتار، تمرکز بر محصول | برنامه‌ریزی به‌عنوان یک فرایند اجتماعی، برنامه‌ریزی مشارکتی، غیرمتمرکز و از پایین به بالا، تحت‌تأثیر تنظیمات قدرت و بسیار وابسته به زمینه، تمرکز بر فرایند |
| مشارکت‌پذیری | نبود سازوکارهای نهادی و الزامات مذاکره‌ای، واردنشدن طرف‌های عمده ذی‌نفع در تدوین برنامه‌ها، بی‌توجهی به تأثیر نهادها و ظرفیت‌های نهادی در تدوین و اجرای برنامه‌ها به رهبری دولت | حضور طیف وسیعی از بازیگران از محیط‌های مختلف نهادی، ورود طرف‌های ذی‌نفع گوناگون در تمامی مراحل فرایند برنامه‌ریزی، توجه به نهادها و ظرفیت‌های نهادی در تدوین و اجرای برنامه‌ها به رهبری و مشارکت دولت |
| تحقق‌پذیری | توجه ناچیز به موضوع تحقق‌پذیری، بی‌تفاوتی به مسئله مدیریت اجرایی، نبود ارتباط بین برنامه و بخش‌های اداری و بودجه | توجه هم‌زمان به برنامه‌ریزی و اجرای برنامه، نقش هماهنگ‌کننده میان برنامه‌های مختلف و نهادهای اجرایی را بر عهده دارد. توجه به بودجه و منابع هریک از بازیگران |

(نگارندگان)

بقا یا تغییر گفتمان‌ها و تجارب موجود را دریافته و متوجه شود که در موقعیت‌های نهادی پیچیده در یک مداخله، در چه شرایطی می‌تواند فرصت‌های پیش روی ایجاد نموده و وضعیت‌های نامطلوب را خاتمه بخشد (همان). آشکار است که نظریه‌پردازی قوی نهادها برای نظریه برنامه‌ریزی مهم است چراکه نهادها، ظرفیت‌سازی نهادی و طراحی نهادی در برنامه‌ریزی برای ساختن شهرهای بهتر، عادلانه‌تر، زیست‌پذیرتر و پایدارتر نقش محوری دارند. شهرها، فضاهای به‌شدت نهادینه شده‌ای هستند (Gunder et al., 2018: 250). رویکرد نهادگرا بر این فرض بنیان می‌گردد که نهادها جنبه مهمی از جامعه هستند و به‌خوبی می‌توانند رفتار انسانی را تبیین کنند. آن‌ها همچنین برنامه‌ریزی را یک نهاد یا به‌عبارت «گیدنز» برساخت اجتماعی می‌دانند (Healey, 1999; cited in Alexander, 2007:۳۸). ارتباط بین تحلیل نهادگرا و نظریه برنامه‌ریزی از ماهیتی دوسویه برخوردار است؛ بدین‌صورت که فرایندهای تعامل در برنامه‌ریزی براساس زمینه نهادی شکل می‌گیرند و بر آن تأثیر می‌گذارند (Healey, 2007a: 64).

**نقش محیط و ترتیبات نهادی در ایجاد نظم دسترسی باز**: براساس دیدگاه "نورث و دیگران" (۱۳۹۶) در کل تاریخ بشر سه نظم اجتماعی وجود داشته است؛ نظم خوراک‌جویی (حاکمیت روابط شخصی و فاقد سازمان‌های عمومی و خصوصی)، نظم دسترسی محدود (دارای سازمان‌های عمومی و خصوصی محدود و قدرت متمرکز و انحصاری) و نظم دسترسی باز (عدم وجود محدودیت در تشکیل سازمان‌ها و تکثر قدرت). مطابق دسته‌بندی "نورث"، تکثر قدرت، گفتمان و گسترش نهادی در نظمِ دسترسی باز روی می‌دهد. نظم دسترسی باز را می‌توان در انطباق با تعریف برنامه‌ریزی راهبردی فضایی از الزامات اساسی کاربست این نوع از برنامه‌ریزی دانست. از ویژگی‌ها و الزامات نظم دسترسی باز می‌توان به: ۱. مجموعه باورهای گسترده درباره فراگیری و برابری همه شهروندان، ۲. ورود بی‌قید و شرط به فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، دینی و آموزشی، ۳. پشتیبانی از قالب‌های سازمانی در هر فعالیتی که به روی همه باز است؛ مثلاً ضمانت اجرای قرارداد، ۴. حاکمیت قانون که بی‌طرفانه برای همه شهروندان اجرا می‌شود، ۵. مبادله غیرشخصی و ۶. دگرگونی جامعه بر پایه عضویت‌پذیری و مشارکت انبوه شهروندان اشاره کرد.

**نقش ترتیبات حکمرانی و مکانیسم‌های تأمین مالی در کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری**: شواهد نشان می‌دهد؛ در میان ترتیبات حکمرانی که بر اجرای برنامه تأثیر می‌گذارند، مذاکره و مشارکت گروه‌های ذی‌نفع بسیار مهم هستند. مذاکره شامل گروه‌های ذی‌نفع خصوصی، مانند آژانس‌های املاک و مستغلات و نهادهای غیردولتی زیست‌محیطی است (Oliveira & Hersperger, 2018). همچنین بررسی ترتیبات حکمرانی در کاربست برنامه‌ریزی مستلزم درک عمیق پیکربندی قدرتِ درگیر است (Houghton, 2011). پیکربندی قدرت، ترتیبات حاکمیتی را شکل داده و مکانیسم‌های تأمین مالی را چارچوب‌بندی می‌کند؛ بنابراین بر فرایندهای کلی اجرای برنامه فضایی‌راهبری تأثیر می‌گذارد

جدول۳. خلاصه مباحث مربوط به چالش‌های پیش‌رو در کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری در کشور ایران (نگارندگان)

| زمینه بررسی | چالش |
|---|---|
| قانونی | تعارض محتوای برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری با تعریف قانونی طرح‌های شهری، تعارض رویه‌ها و فرایندهای برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری با فرایندهای قانونی موجود، عدم تدوین سازوکارهای قانونی در زمینه جلب مشارکت مردم و نهادهای محلی، تمرکز بر تصویب نهایی همه برنامه‌های توسعهٔ شهری در شورای عالی شهرسازی و معماری و نبود جایگاه قانونی مؤثری برای سایر نهادهای محلی، نبود سازوکارهای قانونی درخصوص چگونگی نظارت بر اجرای برنامه‌های توسعهٔ شهری، قدیمی بودن قوانین و منطبق نبودن آن با نیازهای امروز، عدم ضمانت اجرایی قوانین. |
| کنشگران | عدم الزام قانونی به تعامل کنشگران در فرایند برنامه‌ریزی، عدم الزام قانونی مشخص برای حرکت و اقدام کنشگران در چارچوب‌های کلان تدوین‌شده در برنامه‌ریزی فضایی، قرارگیری در یک نظم با دسترسی محدودِ شهروندان و نهادهای مشارکت‌کننده در فرایندها، همهٔ ذی‌نفعانِ برنامه را نمایندگی نمی‌کنند. |
| ترتیبات نهادی و شیوه‌های رایج برنامه‌ریزی | ترتیبات نهادی و تصمیمات مربوط به توسعه از بالا به پایین، مقاومت در برابر تغییر رویه‌های جاری و قوانین و مقررات موجود، توجه نداشتن به منافع و نیازهای گروه‌های آسیب‌پذیر، آگاه نبودن از حقوق و مسئولیت‌های مدنی بین شهروندان و تصمیم‌گیرندگان حکومت‌های محلی، تلاش اندک برای بسیج و به حداکثر رساندن منابع محلی، تقلیل مفهوم پارادایم برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری صرفاً به یک مرحله از فرایند برنامه‌ریزی جامع، تقلید شکلی از پارادایم برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری. |

(نگارندگان)

(Olesen, 2011). امروزه نقش مکانیسم‌های تأمین مالی در سیاست‌گذاری فضایی و اجرای برنامه‌ها، عمدتاً به‌دلیل کمبود منابع مالی در دسترس در نتیجه تلاطم و عدم اطمینان مالی و اقتصادی، درحال افزایش است و چنانچه مکانیسم‌های تأمین مالی به‌طور عمده نتیجه مذاکرات انجام‌شده قبل از اجرای طرح باشند؛ آن‌ها را می‌توان به‌عنوان ستون فقرات اجری برنامه در نظر گرفت (Healey et al., 1995).

## مطالعات و بررسی‌ها

در تحقیق حاضر به‌منظور دستیابی به نتایج پژوهش، براساس روش نظریه زمینه‌ای سه گام مرتبط باهم طی شده‌اند؛ به گونه‌ای که در گام اول داده‌های حاصل از مرور ادبیات تحقیق و مصاحبه‌ها، در قالب جملات و عبارات مفهومی کدگذاری گردیده و در گام دوم از طریق کدگذاری محوری، مقولات شناسایی و در گام سوم براساس روش کدگذاری انتخابی، مقوله محوری مشخص و به‌شکلی نظام‌مند به دیگر مقوله‌ها ربط داده شده و روابط در چارچوب یک روایت روشن گردیده و تحت‌عنوان "الگوی نظری کاربست برنامه‌ریزی فضایی راهبردی" نظریه‌پردازی می‌گردند. در ادامه به‌دلیل محدودیت انتشار و تعداد صفحه، فقط قسمتی از نحوه کدگذاری اولیه (خام) نمایش داده شده و در ادامه کدهای ثانویه، مقولات محوری و الگوی نظری به ترتیب و تفصیل ارائه می‌شوند.

**گام اول (کدگذاری باز):** کدگذاری باز فرایندی تحلیلی است که با آن مفهوم‌ها شناسایی و ویژگی‌ها و ابعاد هریک از آن‌ها کشف می‌شوند. در این گام با استفاده از روش کیفی (نظریه زمینه‌ای)، مفاهیم و مقوله‌ها (عوامل مؤثر بر کاربست برنامه‌ریزی فضایی راهبردی از دیدگاه نظری) از طریق کدگذاری باز، استخراج می‌گردند. شناسایی مفاهیم و مقوله‌ها به‌تنهایی نه برای استخراج نظریه، بلکه به‌عنوان وسیله‌ای در جهت "اقدام به عمل" و تکمیل و تولید نظریه در گام سوم تحقیق و در پاسخ به سؤال پژوهش انجام شده است. در این پژوهش تعداد ۱۶۱ کد اولیه استخراج گردیده که به‌دلیل محدودیت تعداد صفحه نمونه‌ای از کدگذاری صورت‌گرفته مطابق جدول۴ نمایش داده شده است.

در این پژوهش پس از شناسایی مفاهیم اولیه، مقوله‌ها شکل گرفته‌اند که در مقایسه با مفاهیم، انتزاعی‌تر بوده و سطحی بالاتر را نشان می‌دهند. در این مرحله با توجه به تعدد مقوله‌های اصلی (۲۱)، مقوله کلان نیز تعریف شده که به‌تفصیل در جدول۵ نشان داده شده‌اند.

**گام دوم (کدگذاری محوری):** این گام درپی برقراری رابطه بین مقولات تولیدشده در مرحله کدگذاری باز است. شرط انتخاب مقوله محوری براساس نظریات "استراوس و کوربین" (۱۳۹۲) ظهور مکرر آن در موارد، ارتباط منطقی و محکم با سایر مقوله‌ها، انتزاعی بودن به‌منظور حفظ قابلیت

جدول۴. نمونه‌ای از کدگذاری اولیه

| شماره | جملات و عبارت‌های کلیدی (منبع) | کدگذاری اولیه |
|---|---|---|
| A1 | ورود بی‌قید و شرط به فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، دینی و آموزشی (مبانی نظری) | آزادی مشارکت |
| A2 | مجموعه باورهای گسترده درباره فراگیری و برابری همه شهروندان (مبانی نظری) | باور گسترده به همه‌شمولی |
| A3 | شناخت واقعیت سکونت‌گاه‌ها و به رسمیت شناختن تنوع (مبانی نظری) | به رسمیت شناختن تنوع |
| A4 | دسترسی ذی‌نفعان به خدمات اداری و دادگاه‌ها و آرای بی‌طرفانه آن‌ها (مبانی نظری) | به رسمیت شناختن حق اعتراض |
| A5 | دستگاه‌های دولتی به‌خصوص راه‌وشهرسازی متعهد به طی فرایند نبوده و از قدرت قانونی خودش در تهیه طرح جامع هروقت بخواهد استفاده می‌کند (مصاحبه‌شونده شماره ۳). | کنترل انحصار و ایجاد تعهد الزام‌آور |
| ... | | |
| C1 | تجربه برنامه‌هایی با ماهیت فضایی‌راهبری در کشور به‌دلیل خلأهای ... (مبانی نظری) | اصلاح قوانین |
| C2 | عملکرد نهادها توسط نیازها، علایق و اهداف بخش‌های عمومی و ... (مبانی نظری) | بروز نیازها،علایق، اهداف |
| ... | | |
| E1 | باتوجه‌به تعارض فرایندهای قانونی با رویکردِ نهادگرایانه و ... (مبانی نظری) | اصلاح فرایندهای قانونی |
| E2 | از نظر "مازا" (۲۰۱۱, ۲۰۱۳) و "مونتیسالو" (۲۰۱۳) گسست احتمالی... (مبانی نظری) | تثبیت جایگاه قانونی برنامه‌ریزی |
| ... | | |

(نگارندگان)

جدول ۵. کدگذاری باز و محوری

| مفاهیم (کدگذاری ثانویه) | مقوله‌ها | مقوله کلان | شرایط |
|---|---|---|---|
| A1 (آزادی مشارکت)، A2 (باور گسترده به همه‌شمولی و برابری)، A3 (به رسمیت شناختن تنوع)، A4 (به رسمیت شناختن حق اعتراض)، A5 (کنترل انحصار و ایجاد تعهد الزام‌آور)، A6 (تفکیک نهاد از فرد)، A7 (توجه به نهادها و ظرفیت‌های نهادی)، A8 (حاکمیت قانون)، A9 (حضور طیف وسیعی از ذی‌نفعان)، A10 (دریافت بازخورد از مردم)، A11 (عضویت‌پذیری و مشارکت انبوه شهروندان)، A12 (کنترل انحصار، کنترل قدرت). | دسترسی باز شهروندان | نظم دسترسی باز | شرایط علّی |
| B1 (برنامه‌ریزی غیرمتمرکز و از پایین به بالا)، B2 (مواجهه با حکمروایی چندسطحی)، B3 (مواجهه با مرزهای درحال تغییر)، B4 (هماهنگی بین نهادهای عمومی و خصوصی)، B5 (همکاری میان سازمان‌ها و گروه‌های ذی‌نفع). | ترتیبات نهادی | | |
| C1 (اصلاح قوانین، بروز نیازها)، C2 (علایق، اهداف و ارزش‌های جدید توسط ذی‌نفعان)، C3 (دگرگونی و بهبود محیط نهادی)، C4 (تجزیه و تحلیل تطبیقی نهادهای خاص شهری)، C5 (تغییر رویه در ساختارهای حکومتی)، C6 (گزینش سیاست‌ها از طریق گفتمان رقابتی و مداوم). | تغییر نهادی | | |
| D1 (طراحی آینده جایگزین). | طراحی نهادی | | |
| E1 (اصلاح فرایندهای قانونی)، E2 (تثبیت جایگاه قانونی برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری)، E3 (تدوین اسناد قانونی نظارت بر اجرای طرح‌های توسعهٔ شهری)، E4 (تدوین الزامات قانونی مشارکت)، E5 (تعریف قانونی برنامه‌های فضایی‌راهبری)، (تقویت جایگاه قانونی نهاد تهیه‌کننده برنامه)، E۶ (تکمیل اسناد قانونی نحوه جلب مشارکت مردم)، E7 (تمرکززدایی از انحصار دولت در تصویب قوانین)، E8 (اجرا و نظارت بر حوزه‌های اجتماعی)، E9 (تمرکززدایی از مرجعیت شورای عالی شهرسازی و معماری در تصویب طرح‌ها)، E10 (قانونی نمودن جایگاه ذی‌نفعان در طرح‌های توسعهٔ شهری)، E11 (مشخص نمودن نوع و کیفیت اسناد طرح‌های توسعهٔ شهری در قوانین). | نهادسازی | | |
| F1 (ارتقای شفافیت و تصمیم‌گیری برابر)، F2 (اصلاحات اجتماعی)، F3 (افزایش انواع مشارکت)، F4 (توجه به منافع و نیازهای گروه‌های آسیب‌پذیر)، F5 (ثبات سیاسی)، F6 (رضایت‌مندی اجتماعی)، F7 (همبستگی اجتماعی). | اثرات اجتماعی | خروجی‌های برنامه‌ریزی فضایی راهبردی | پیامدها |
| G1 (اصول تنظیم کاربری اراضی)، G2 (تعیین اقدامات حفاظت)، G3 (تعیین اولویت‌های سرمایه‌گذاری منطقه)، G4 (سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های راهبردی)، G5 (ایجاد توافق نهایی)، G۶ (ایجاد یک چشم‌انداز منسجم و هماهنگ)، G7 (تعیین استراتژی‌های کلی توسعه)، G8 (تعیین اقدامات هریک از بازیگران)، G9 (شناخت و هدایت توسعه‌های اصلی). | اسناد برنامه | | |
| H1 (ایجاد فرهنگ حکمرانی جدید)، H2 (تنوع بیشتر کالاهای عمومی). | مدیریت شهری | | |
| I1 (ایجاد هماهنگی و اطمینان)، I2 (تحقق‌پذیری)، I3 (کاهش موانع موفقیت). | تحقق‌پذیری | | |
| J1 (کم‌رنگ شدن مرز بین بخش خصوصی و عمومی)، J2 (تغییر هزینه‌های مبادلات سیاسی)، J3 (کاهش هزینه معاملات سیاسی گروه‌های محروم)، J4 (گسترش جوامع خصوصی)، J5 (مبادله غیرشخصی). | کاهش هزینه مبادله | | |
| K1 (مسئله‌محوری)، K2 (اتخاذ رهیافت نهادگرایانه)، K3 (توسعه دیدگاه‌های انسانی)، K4 (واقع‌گرایی)، K5 (انعطاف‌پذیری در روش و نتایج)، K6 (بلندمدت مداری)، K7 (تداوم و پیوستگی)، K8 (تداوم و پیوستگی)، K9 (تغییر از تأکید به نقشه‌های کاربری به تأکید بر آینده‌پژوهی)، K9 (استراتژی‌ها و عدالت توزیعی)، K10 (تغییر از تعمیم حال به تحول)، K11 (تغییر از جامع‌نگری به رویکرد گزینشی)، K12 (تغییر از کنترل به قاعده‌گذاری)، K13 (تغییر از مکان‌های فیزیکی به فضاها)، K14 (تغییر از حکمرانی به حکمروایی)، K15 (تغییر از رویکردهای نئولیبرالی به بازارمحور)، K16 (چشم‌اندازسازی)، K17 (رویکرد سیستمی به برنامه‌ریزی)، K18 (رویکرد آینده‌کاوی در برنامه‌ریزی)، K19 (فرایندمحوری). | رویکردها و روش‌ها | شیوه‌های برنامه‌ریزی فضایی راهبردی | راهبردها |
| L۱ (ارزیابی دائم اقدامات)، L۲ (ارزیابی و انتخاب). | اقدامات اجرایی | | |

ادامه جدول ۵. کدگذاری باز و محوری

| مفاهیم (کدگذاری ثانویه) | مقوله‌ها | مقوله کلان | شرایط |
|---|---|---|---|
| M1 (برقراری شفافیت و علنیت برنامه)، M2 (تأکید بر فرایند به‌جای محصول)، M3 (تأکید بر یکپارچگی)، M4 (تدوین راهبرد تنظیم روابط قدرت)، M5 (تغییر تدریجی نهادها، M6 (تنظیم پیکربندی قدرت)، M7 (توزیع قدرت متمرکز به سطوح پایین‌تر)، M8 (جایگزینی تغییرات پیوسته به‌جای تغییرات ضمنی و اتفاقی)، M9 (نقش تسهیل‌گری نهاد تهیه‌کننده برنامه)، M10 (هم‌زمانی برنامه‌ریزی و اجرا)، M11 (یکپارچگی بین بخش‌ها و بودجه‌ها). | سیاست‌ها | | |
| N1 (تحلیل چرایی وقوع مشکلات)، N2 (درک زمینه برنامه‌ریزی)، N3 (درک قدرت و منافع)، N4 (درک گفتمان و محدودیت‌ها)، N5 (درک عمیق از پیکربندی قدرت)، N6 (درک عوامل زمینه‌ای - اقتصادی، نهادی و حقوقی)، N7 (شناخت محیط نهادی)، N8 (شناخت منابع بازیگران)، N9 (شناخت نهادهای بافتاری). | بافتار | محتوا و بافتار | شرایط مداخله‌گر |
| O1 (شناخت محیط بیرونی)، O2 (شناخت محیط درونی). | محیط سیستم | | |
| P1 (شناخت نوع و قدرت ذی‌نفعان)، P2 (شناسایی کنشگران). | شناخت ذی‌نفعان | | |
| Q1 (درک پویایی قدرت و منافع ذی‌نفعان)، Q2 (شناسایی راهبردهای مذاکره)، Q3 (شناسایی نقش و جایگاه ذی‌نفعان). | تحلیل ذی‌نفعان | | |
| R1 (ایجاد توافق اولیه)، R2 (ایجاد زمینه برای تغییرات ساختاری)، R3 (ایجاد گفتمان). | بسیج منابع | ظرفیت‌سازی و مشارکت | شرایط زمینه‌ای |
| S1 (الگوی شبکه روابط)، S2 (ایجاد چارچوب‌های مشترک بین ذی‌نفعان)، S3 (پیوند قوی با قانون و قدرت‌های دولتی)، S4 (توجه به همه سطوح برنامه‌ریزی)، S5 (هماهنگی اقدامات بازیگران و نهادها)، S6 (وجود شبکه ارتباطی گسترده بین ذی‌نفعان). | منابع ارتباطی | | |
| T1 (اعتمادسازی، تعامل دموکراتیک)، T2 (جلب مشارکت افراد)، T3 (گروه‌ها و نهادها)، T4 (رعایت اصل دموکراسی)، T5 (قدرت بخشی به شهروندان)، T6 (کارکردن در شرایط تعارض و مشروعیت)، T7 (همکاری مشترک). | مشارکت | | |
| U1 (آگاهی سیاسی)، U2 (بهره‌گیری از دانش محلی و علمی)، U3 (خلق ایده‌ها و مفاهیم جدید)، U4 (درس گرفتن از تجارب عملی گذشته)، U5 (وجود طیف گسترده‌ای از منابع دانش)، U6 (یادگیری از طریق انجام امور). | منابع دانش | | |

استفاده در دیگر عرصه‌های خرد واقعی[۲۰] مطرح شده است. شرط دیگر انتخاب مقوله محوری این است که مفهوم همان‌قدر که قادر به تشریح نکته اصلی برآمده از داده‌هاست، قادر به توضیح دگرگونی نیز باشد. در این پژوهش هریک از مقوله‌های اصلی و کلان بخشی از مفاهیم را در بر می‌گیرد اما هیچ‌یک به‌تنهایی نمی‌توانند نماینده همه مفاهیم باشند و حق‌مطلب را ادا کنند و به اصطلاح یا عبارت انتزاعی‌تر و مفهومی نیاز است که بتواند تمام مقوله‌ها را دربر گیرد. ازاین‌روی "برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری در بستر نهادگرایی" به‌دلیل شمولیت و فراوانی تکرار مفاهیم مربوط در ادبیات نظری و مصاحبه‌های صورت‌گرفته همچنین دربرگیری گوناگونی‌ها درون سایر مقوله‌ها، به‌عنوان مقوله محوری انتخاب گردید. ارتباط سایر مقولات با مقوله محوری براساس برچسب‌گذاری بر شرایط در ۵ عنوان: شرایط زمینه‌ای، شرایط علّی، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و استراتژی‌ها و پیامدها تحقق یافته است. در جدول۵، یافته‌های حاصل از کدگذاری محوری داده‌ها نشان داده شده است.

**گام سوم: (کدگذاری انتخابی):** در این مرحله کدگذاری انتخابی به‌منظور تشکیل الگوی نظریِ مناسب برای کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری، مرحله اصلی نظریه‌پردازی را تشکیل می‌دهد که براساس نتایج دو گام قبلی که به‌عنوان مراحل مقدماتی و زمینه‌ساز برای تئوری‌پردازی، مقوله‌ها و روابط مقدماتی را به‌عنوان سازه‌ها و اصول اصلی تئوری در اختیار می‌گذارند، به تولید تئوری پرداخته و به این ترتیب مقوله محوری را به‌شکلی نظام‌مند به دیگر مقوله‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت روشن می‌کند. همچنین مقوله‌هایی را که نیازمند بهبود و توسعه بیشتری هستند، اصلاح می‌کند. در این سطح سعی شده با کنارهم نهادن

مقوله‌ها حول مقوله محوری، یک روایت تئوریک برای پدیده ارائه شود و همچنین پیرامون این رشته اصلی، بین مفاهیم و مقوله‌ها ارتباطی نظام‌مند ایجاد شود. بر پایه مدل پارادایمی در نظریه زمینه‌ای و انجام کدگذاری محوری و انتخابی، ارکان الگوی نظری کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری به شرح تصویر ۱، تبیین می‌گردد.

## یافته‌ها و بحث

یافته‌های حاصل از مراحل سه‌گانهٔ تحلیل براساس نظریه زمینه‌ای و در چارچوب ساختار روابط پیشنهادی "استراوس و کوربین" (۱۳۹۲) در قالب شرایط علّی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها و تحت‌عنوان الگوی پارادایمی (نظری) مطابق تصویر ۱ نمایان گردید که در این قسمت، به تفکیکِ هریک از شرایط پنج‌گانه به بحث درخصوص روابط درون‌گروهی آن‌ها و همچنین ارتباط مفهومی بین آن‌ها پرداخته تا بدین طریق، یافته‌های حاصل از تدوین الگوی نظری تشریح گردد.

**شرایط زمینه‌ای (P۶):** قرارگیری منابع دانش و منابع ارتباطی در یک محل منشأ ابتکار عمل حاکمیت شهری به‌عنوان عامل شراکت و رهبری در کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری خواهد بود. این امر نیازمند بسیج آگاهانهٔ منابع دانش و منابع ارتباطی است. بسیج منابع شرایط ویژه‌ای را فراهم می‌آورد که روش‌ها و راهبردها را تحت‌تأثیر قرار داده و زمینه را برای کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری فراهم می‌کند؛ به‌گونه‌ای که وجود منابع دانشی ضمن ارتقای آگاهی سیاسی، چارچوب‌های مشترکی را بین گروه‌های درگیر ایجاد کرده و با استفاده آگاهانه از چارچوب‌های مرجع و امکان بسط آن‌ها همچنین خلق ایده‌ها و مفاهیم جدید، بر گفتمان سیاسی متمرکز بوده و زمینه مشارکت اجتماعی را فراهم می‌آورد. ازطرفی، وجود منابع ارتباطی و شناخت شبکه روابط ذی‌نفعان و بررسی الگوهای دسترسی فضایی و زمانی آن‌ها زمینه یکپارچه‌سازی و گردآوردن آن‌ها را در یک محیط نهادی فراهم می‌کند و این

تصویر ۱. الگوی نظری کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری (نگارندگان)

مهم که از شرایط زمینه‌ای کاربست، برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری است و نیازمند بسیج آگاهانه منابع دانش و منابع ارتباطی است تا حاکمیت شهری بتواند توانایی‌های بالقوه خود را به نمایش گذارد. در الگوی پارادایمی تحقیق نیز به تأثی از "هیلی" (2007a) منابع دانشی، منابع ارتباطی و بسیج منابع ابعاد ظرفیت‌سازی نهادی را شکل داده که از طریق تأثیرگذاری بر راهبردها ازجمله توزیع قدرت متمرکز به سطوح پایین‌تر (M۷)، تغییر از حکمرانی به حکمروایی (K14) و تغییر از رویکردهای نئولیبرالی به بازارمحور (K14)، زمینه را برای کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری فراهم می‌کنند.

**شرایط علّی** (P1): براساس مدل پارادایمی، وجود نظم دسترسیِ باز در جامعه از طریق نهادسازی، تغییر در ترتیبات نهادی، تغییر نهادی و درنهایت طراحی نهادی، مقوله اصلی را تحت‌تأثیر قرار داده و شرایط و الزامات تحقق آن را فراهم می‌کنند. دسترسی باز، با پشتیبانی از تشکیل نهادها(A5)، توجه به نهادها و ظرفیت‌های نهادی (A7)، کنترل قدرت و انحصار(A12)، تفکیک نهاد از فرد (A6)، حاکمیت قانونی(A8)، باور گسترده به همه‌شمولی و برابری (A2)، به رسمیت شناختن حق اعتراض(A4) و ... زمینه عضویت و مشارکت انبوه شهروندان را در تعیین سرنوشت و نظم جامعه خود (A11) فراهم نموده و از طریق تنظیمات قدرت و برنامه‌ریزی غیرمتمرکز (B1)، گزینش سیاست‌ها از طریق گفتمان رقابتی و مداوم (C6)، خلاقیت و نوآوری، تغییر رویه در ساختارهای حکومتی (C5) و وضع قوانین نهادی جدید دست به طراحی آینده جایگزین زده و با نهادسازی (به خصوص تثبیت جایگاه قانونی برنامه‌های فضایی‌راهبری (E2)، اصلاح فرایندهای قانونی(E1)، تدوین الزامات قانونی مشارکت (E4)، تمرکززدایی از مرجعیت شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در تصویب طرح‌ها (E9) و ... ) شرایط علّی کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری فراهم می‌گردد.

**شرایط مداخله‌گر(P5)** : در مدل پارادایمی شرایط مداخله‌گر براساس مفاهیم استخراج شده از ادبیات نظری و مصاحبه‌ها شرایطی هستند که راهبردها و روش‌ها، سیاست‌ها و اقدامات اجرایی کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری را تعیین و تحت تأثیر قرار می‌دهند. همان‌گونه که از ادبیات برنامه‌ریزی راهبردی نیز مشخص می‌گردد تعیین راهبردها (به‌خصوص در روش تحلیل SWOT) ریشه در بافتار و شناخت محیط درونی و بیرونی (O1, O2) دارد؛ ازاین‌روی در مدل پارادایمی، شناخت محیط نهادی (N7)، درک زمینه برنامه‌ریزی (N۲)، درک گفتمان و محدودیت‌ها (N4)، درک عمیق از پیکربندی قدرت (N5)، وضعیت ذی‌نفعان (P1, P2, Q1, Q2, Q3)، شناخت نهادهای بافتاری (N9)، تحلیل چرایی وقوع مشکلات (N1) و ... به‌عنوان شرایط مداخله‌گر و شرایطی که پدیده‌محوری (کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری) در بستر آن‌ها روی می‌دهد، شناسایی شده‌اند.

**راهبردها و استراتژی‌های (P3)**: ادبیات نظریِ تحقیق با شناسایی ۳۲ مفهوم تاحد زیادی و بیش از سایر عناصر مدل بر راهبردها تأکید دارد. راهبردها درواقع، اقدامات یا تعامل‌های ویژه‌ای هستند که از پدیده اصلی حاصل گردیده و به دنبال شرایط مداخله‌کننده روی می‌دهند. از مهم‌ترین راهبردهای کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری براساس تعداد فراوانی می‌توان به این موارد اشاره نمود:

مسئله محوری (K1) با تعداد ۵ فراوانی، برقراری شفافیت و علنیت برنامه (M1)، بلندمدت مداری (K5) و تداوم و پیوستگی(K7) هرکدام با ۳ فراوانی، چشم‌اندازسازی (K16)، تنظیم پیکربندی قدرت (M6)، تأکید بر یکپارچگی بخش‌ها (M3)، ارزیابی دائم اقدامات (L1)، فرایندمحوری (K19)، آینده‌پژوهی (K8) و هم‌زمانی اجرا و برنامه‌ریزی (M10) هرکدام با ۲ فراوانی، اتخاذ رهیافت نهادگرایانه (K2)، ارزیابی و انتخاب(L2)، انعطاف‌پذیری در روش و نتایج (K5)، تنظیم روابط قدرت (M6)، تحول‌گرایی (K10)، گزینشی (K۱۱)، قاعده‌گذاری (K12)، حکمروایی (K14)، بازارمحوری (K15)، انسان‌گرایی (K3)، تمرکززدایی (M7) و واقع‌گرایی(K4) هرکدام ۱ (یک) فراوانی.

**پیامدها (P4)**: پیامدها، نتایجی است که براثر راهبردها پدیدار می‌شوند و خواسته یا ناخواسته به دنبال روش‌های کاربردی می‌آیند. از مهم‌ترین پیامدهای کاربست برنامه‌ریزی فضایی راهبردی می‌توان به این موارد اشاره کرد:

کاهش هزینه‌های مبادله (J2. J3, J5) و تحقق‌پذیری (I1, I2, I3) هرکدام با ۳ فراوانی، ایجاد توافق نهایی(G5)، ارتقای شفافیت و تصمیم‌گیری برابر (F1)، اصلاحات اجتماعی (F2)، ایجاد فرهنگ حکمرانی جدید (H1)، ایجاد هماهنگی و اطمینان (I1)، ایجاد یک چشم‌انداز منسجم و هماهنگ (G6)، تعیین استراتژی‌های کلی توسعه(G7)، تعیین اقدامات حفاظت(G2) ، تعیین اقدامات هریک از بازیگران (G8)، تعیین اولویت‌های سرمایه‌گذاری (G3)، تنوع بیشتر کالاهای عمومی(H2) ، توجه به گروه‌های آسیب‌پذیر (F4)، ثبات سیاسی (F5)، رضایت‌مندی اجتماعی (F6)، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها (G4)، همبستگی اجتماعی(F7) و کم‌رنگ شدن مرز بین بخش خصوصی و عمومی (J1) هر کدام با ۱ (یک) فراوانی.

## نتیجه‌گیری

براساس تدوین الگوی نظری حاصل از کدگذاری انتخابی در گام سوم (تصویر ۱)، الگوی مناسب برای کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری در شهر اصفهان از ۵ جزء شامل: ۱. شرایط زمینه‌ای، ۲. شرایط علّی، ۳. شرایط مداخله‌گر، ۴. راهبردها و ۵. پیامدها تشکیل گردیده است. نتایج حاصل از پژوهش و مداقه در الگوی نظری مزبور نشان می‌دهد؛ امروزه، برنامه‌ریزی دیگر صرفاً به‌عنوان حرفه‌ای علمی، فنی و یا وظیفه‌ای دولتی، حکومتی تلقی نمی‌شود؛ بلکه به‌مثابه پلی است که برنامه‌ریزان را در ارتباط با تغییرات نهادی قرار می‌دهد؛ به عبارت دیگر نظریه‌های برنامه‌ریزی در خلأ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شکل نمی‌گیرند؛ بلکه به وسیلهٔ افراد و ذی‌نفعان و در موقعیت‌های اجتماعی با هدف تبیین وضع موجود و تجویز رویه‌ها و فرایندهای مناسب‌تر صورت‌بندی می‌شوند. ساختارهای قانونی و ترتیبات نهادی به‌خصوص دسترسی باز یا محدود شهروندان اثری تعیین‌کننده در کاربست برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری دارند و توانایی برنامه‌ریزی فضایی‌راهبری در ایجاد تغییر از طریق نقش‌آفرینی‌های فکری و عملی در این مهارت حیاتی نهفته است که این نوع از برنامه‌ریزی می‌تواند واقعیت‌های مادی و ذهنی را شناسایی نموده، چگونگی بقا یا تغییر گفتمان‌ها و تجارب موجود را دریافته و متوجه شود که در موقعیت‌های نهادی پیچیده در یک مداخله در چه شرایطی می‌تواند فرصت‌های پیش‌روی ایجاد نموده و وضعیت‌های نامطلوب را خاتمه بخشد.

## پی‌نوشت

1. City Development Strategy (CDS)
۲. روش تحقیق نظریه زمینه‌ای (Grounded Theory Method)، رویکردی نظام‌مند، استقرایی و قیاسی در ایجاد نظریه است و روشی است که نظریه‌ها، مفاهیم، فرضیه‌ها و قضایا را به‌جای استنتاج از پیش‌فرض‌های پیشین سایر پژوهش‌ها یا چارچوب‌های نظری موجود، به طور مستقیم از داده‌ها کشف می‌کند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲).
3. Alessandro Balducci
4. Anna M. Hersperger
5. Alison Todes
6. Ernest R. Alexander
7. Tore Sager
8. Verma
9. Willem G. M. Salet
10. Judith E. Innes
11. Patsy Healey
12. Bish Sanyal
۱۳. مبنای انتخاب خبرگان در این پژوهش، کارشناسان حوزه برنامه‌ریزی شهری هستند که ضمن دارا بودن دانش علمی از تجربه عملی در زمینه برنامه‌ریزی فضایی راهبردی نیز برخوردار بوده و از طرفی نگارندگان نیز به آن‌ها دسترسی داشته‌اند.
14. Strategic Spatial Planning
15. Framing
16. Legitimacy
17. Visioning Embedded in Becoming
18. Mazza
19. Mäntysalo
20. Substantitive areas

## منابع و مآخذ

- آنسلم استراوس، جولیت‌ام. کوربین (۱۳۹۲). **مبانی پژوهش کیفی؛ فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای**. ترجمه ابراهیم افشار، چاپ سوم، تهران: نی.
- تقدسی، رعنا و شریف‌زادگان، محمدحسین (۱۳۹۹). واکاوی جایگاه برنامه‌ریزی توسعه شهری مشارکتی و چالش‌های فراروی آن در اندیشه نهادگرا. *دانش شهرسازی*، دوره چهارم (۴): ۶۲-۳۷.
- دانشور، مریم (۱۳۹۷). **برنامه‌ریزی شهری در ایران و نهادها**. چاپ اول، تهران: آذرخش.
- شیعه، اسماعیل و شکیبامنش، امیر (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی فضایی راهبردی (رویکردی کارا در نظام برنامه‌ریزی شهری). *معماری و شهرسازی ایران*، دوره دوم (۲): ۵۲-۴۳.
- قانونی، حسین (۱۳۹۸). "تحلیل اثرات دولت رانتی بر برنامه‌ریزی شهری با تکیه بر تفکر نهادی (موردکاوی اصفهان)." رساله دکتری، شهرسازی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ماجدی، حمید (۱۳۹۱). نظریه طرح‌های ساختاری راهبردی (ناحیه‌ای و محلی). هویت شهر، سال ششم (۱۱): ۲۶-۱۷.
- نورث، داگلاس‌سی و جان‌جوزف والیس، باری آر. وینگاست (۱۳۹۶). **چارچوب مفهومی برای تفسیر تاریخ ثبت‌شده بشر**. ترجمه جعفر خیرخواهان و رضا مجیدزاده. چاپ اول، تهران: روزنه.

- Albrechts, L. & Balducci, A. (2013). Practicing strategic planning: in search of critical features to explain the strategic character of plans. *disP*, 49 (3): 16–27.
- _____, Hillier, J. (2017). **Situated Practices of Strategic Planning –An International Perspective**. Oxon and New York: Routledge.
- Alexander, ER (1992). A transaction cost theory of planning. *Journal of the American Planning Association*, 58 (2): 190–200.
- Clarke, G. (1992).Towards appropriate forms of urban planning. *Habitat Interna- tional*, 16(2), 149165-.
- Farmer, P., Frojmovic, M., Hague, C., Harridge, C., Narang, S., Shishido, D., etal. (2006). Reinventing planning: a new governance paradigm for managing human settlements. In Position paper for the World Planners Congress, Vancouver.
- Friedmann, J. (2004). Strategic spatial planning and the longer range. *Planning Theory & Practice*, 5(1), 49–67.
- Gunder,M., Madanipour,A.,& Watson,V. (Eds.). (2018). **THE ROUTLEDGE HANDBOOK OF PLANNING THEORY**. New York: Routledge.
- Haughton, G., Allmendinger, P., Counsell, D., & Vigar, G. (2010). **The new spatial planning: Territorial management with soft spaces and fuzzy boundaries**. London/New York: Routledge.
- Healey, P., Purdue, M. and Ennis, F. (1995). **Negotiating Development**. London: Routledge.
- _____ (2005). On the Project of "Institutional Transformation" in the Planning Field: Commentary on the Contributions. *Planning Theory*, 4 (3), 301310-.
- _____ (2006). **Urban complexity and spatialstrategies:Towardsarelational planning forourtimes**. London: Routledge.
- _____, Khakee, A., Motte, A., Needham, B. (Eds.). (2006). **Making Strategic Spatial Plans: Innovation in Europe**. Edition published in the Taylor & Francis e-Library.
- _____ (2007a). The New Institutionalism and the Transformative Goals of Planning. In N. Verma, **Institutions and Planning**. Oxford: Elsevier. 6187-.

- _____ (2007b). **Urban Complexity and Spatial Strategies: Towards a Relational Planning for Our Times**. London: Routledge.
- Hersperger, A. H., Grădinaru, S., Oliveira, E & Pagliarin, S. (2019). Understanding strategic spatial planning to effectively guide development of urban regions. *Cities*, 94 (2019), 96–105.
- Hillier, J. (2002). **Shadows of Power**. London: Routledge.
- Houghton, J., (2011). Negotiating the global and the local: evaluating development through public–private partnerships in Durban, South Africa. *Urban Forum*, 22, 75–93.
- Innes, J. E (1995). Planning Is Institutional Design. *Journal of Planning Education and Research*, 14(2), 1403-.
- Metzger, J. (2012). Placing the stakes: The enactment of territorial stakeholders in planning processes. *Environment and Planning A*, 45(4): 781–796.
- Newman, P. (2008). Strategic spatial planning: Collective action and moments of opportunity. *European Planning Studies*, 16(10), 1371–1383.
- Njoh, A. (2009).The emergence and spread of contemporary urban planning. **global report on human settlements: revisiting planning.** In Report to the UN-HABITAT. London & Sterling,VA: Earthscan, 1724-.
- Olesen, K. (2011). "*Strategic Spatial Planning in Transition: Case Study of Denmark*." PhD, Department of Development and Planning. Aalborg: Aalborg University.
- Oliveira, E. & Hersperger, M.A. (2018). Governance arrangements, funding mechanisms and power configurations in current practices of strategic spatial plan implementation. *Land Use Policy*, 76, 623–633.
- Sager, T. (2006). The Logic of Critical Communicative Planning: Transaction Cost Alteration. *Planning Theory,* 5(3), 223254-.
- Salet, W. G. M. (2002). Evolving Institutions: An International Exploration into Planning and Law. *Journal of Planning Education and Research*, 22- 26.
- Sanyal, B. (2007). DÉJÀ-VU. *Planning Theory*, 6(3), 31327-.
- Todes, A., Karam, A., Klug, N., & Malaza, N. (2010). Beyond master planning? New approaches to spatial planning in Ekurhuleni, South Africa. *Habitat International*, 34(4), 414420-.
- Verma, N. (2007). Institutions and Planning: An Analogical Inquiry. In N. Verma. *Institutions and Planning*, 116-.
- Watson, V. (2009). Introduction. **the Global Report on human settlements: Revisiting planning**. In Report to the UN-HABITAT. London & Sterling,VA: Earthscan.

Received: 2022/03/03
Accepted: 2022/05/18



# Presentation of a Theoretical Model for the Implementation of Strategic Spatial Planning based on the Institutionalism Approach

**Ali Honardan*** **Ahmad Shahivandi**** **Reza Nasr esfahani*****

## Abstract

Today, strategic spatial planning is considered worldwide as a way to shape urban growth in response to the inefficiency of traditional planning methods. In Iran, with the preparation of strategic structural plans in the 70s and strategic urban development plans in the 80s, an attempt was made to change the attitude from comprehensive-traditional planning to strategic planning. These plans, however, were theoretically based on strategic spatial planning. But for several reasons including: Lack of knowledge of the factors affecting the application of strategic spatial planning and the lack of an appropriate theoretical model, it could not be sustainable and effective in the urban planning system of the country. Therefore, the purpose of this study is to identify the factors affecting the application of strategic spatial planning and to create a suitable theoretical model for the application of this type of planning. In the present study, according to the quiddity of the main research question (how a suitable theoretical model for the implementation of strategic spatial planning) and its philosophical orientation, qualitative research methods have been used and among them, the grounded theory method with respect to abstract thinking and theorizing capabilities was selected. Data were collected through review of theoretical literature and research results on the failure of previous experimental efforts in the country and interviews with 7 urban planning experts. Data were analyzed using the comparison method in three stages (open, axial and selective coding). The results of the data analysis showed that the implementation of the proposed theory of strategic spatial planning has 21 main categories in the form of 6 main categories including: 1. Open access order, 2. Outputs, 3. Strategic spatial planning methods, 4. Content and background, 5. Institutional capacity and participation. Accordingly, the fulfilment of strategic spatial planning depends on institutional capacity building to create open access conditions by determining strategies and pay attention to the institutional context and environment of planning. Consequences of using spatial strategic planning in the form of five main categories including: Social programs, documents, programs, urban management, to have acceptance, and reduction of transaction costs occur.

**Keywords:** Strategic spatial planning, Institutionalism, Institutional capacity building, Urban development plans

* Ph.D Student of Islamic Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

** Assistant Professor, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

*** Assistant Professor, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.